

انتقاد و انتقاد از خود کمونیستی ۲

در مقاله‌ای به همین عنوان در کمون شماره ۲۲ نوشتیم: انتقاد و انتقاد از خود تنها سلاح پرولتاریا در مبارزه علیه نفوذ ایدئولوژیک سیاسی خرده بورژوازی در جنبش کمونیستی است. انتقاد و انتقاد از خود کمونیستی نمی‌تواند به یک امر مقطعی تبدیل شود بلکه یک امر دائمی است زیرا مبارزه طبقاتی امری است دائمی. در جنبش کمونیستی این امر توسط حزب توده پایمال گردید و در پروسه‌های بعد

بنابراین لازم است برخورد مشخص به مسأله انتقاد و انتقاد از خود را در جنبش کمونیستی ایران ادامه دهیم. یعنی منحنی‌ترین نظر در مورد انتقاد و انتقاد از خود را بشناسیم و تأثیر مخرب آن را در این جنبش تحلیل کنیم. تا پرولتاریا بتواند بر مبنای این تجربه منفی، اسلحه انتقاد را محکم‌تر علیه بورژوازی و خرده بورژوازی در دست بگیرد. این تجربه منفی، برخورد رویونیستی و اپورتونیستی منصور حکمت به انتقاد و انتقاد از خود است. او چه می‌گوید؟

او می‌گوید: «اکنون فرصتی برای ما پیش آمده است تا به یکی دیگر از جلوه‌های عقب مانده چپ سنتی، سنت تزکیه و انتقاد از خود عرفانی خاتمه بدهیم. این روش بما و امر ما ضرر میزند. کسی که با تحقیر خود به صف ما بپیوندد، هیچگاه برای این صف کادر نمیشود. و حزبی که بر تحقیر و شکستن شخصیت افراد ساخته بشود برای وارث نهائی‌اش هم حزب نمیشود.» (منصور حکمت - نامه سرگشاده خطاب به رفقای چپ در کردستان ۱۳۶۸/۹/۲۶)

در این شیوه تفکر سرمایه‌داری، انتقاد و انتقاد از خود مساوی تزکیه نفس درک گردیده است. و کسی هم که در زمینه شخصی از خود انتقاد کند، در دید منصور حکمت و دنباله روان او، در حال شکستن شخصیت خود است. او دارد شخصیت خود را نابود می‌کند. در نتیجه از همان ابتدا یک مبارزه وسیع ایدئولوژیک علیه روند انتقاد و انتقاد از خود بر حزب کمونیست برپا شد؛ انتقاد بی انتقاد.

نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که: «حزب را کسالت همگانی، روحیه کارمندی، [فرا گرفته است] همه فهمیده‌اند که می‌شود کار را عقب انداخت و هیچ اتفاقی هم نمی‌افتد، مشغله‌های غیر سیاسی افراد بالا گرفته... مثل مشغله‌های خانوادگی و شغلی... خیلی از رفقا امروز را به فردا می‌رسانند و فردا را به پس فردا، همین که توی یک کمیته است برایش کافی است. کسانی را شاه‌دیم که اگر بخواهی کارش را به طور واقعی و مادی حساب بکنیم در ماه ۴۵ دقیقه است، جا خوش می‌کنند. کارها سپرده می‌شود و جوابش حتما گرفته نمی‌شود... این مسائل ناشی از یک واقعیت سیاسی است. به نظر ما این است که حزب چندبیت که افق سیاسی و مبارزاتی خودش را از دست داده است... به نظر می‌آید ما حرفی دیگر برای به کرسی نشاندن نداریم. اگر در دوره فشرده و کوتاهی این معضلات به عکس خودش تبدیل نشود... کار به جایی می‌رسد که حزب کمونیست دوره تخریب خودش را شروع می‌کند... اعضای کمیته مرکزی یا در یک دوره کوتاه کار شبانه روزی فشرده، با افق و متعهدانه‌ای را انجام می‌دهند یا راست‌اش همه‌مان باید فکر... نجات باشیم» (حکمت - تصمیمات اخیر دفتر سیاسی 1986/6/6)

منصور حکمت از رفقای حزبی‌اش تا بدین شدت انتقاد می‌کند، با دید او؛ شخصیت آن‌ها را تحقیر می‌کند و در هم می‌شکند ولی کوچک‌ترین انتقادی از خود نمی‌کند. نقش خود را در مصیبت‌های ذکر شده بر ملا نمی‌سازد. شاید می‌ترسد شخصیت‌اش تحقیر و شکسته شود. او خود را مبرا می‌سازد، نمی‌گوید و یا نمی‌تواند درک کند که مسئولیت تمام این مصائب خود اوست. ایدئولوژی و سیاستی که او دیکته می‌کرد از ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۰ در حزب حاکم بود. ولی حکمت مشغول حفظ شخصیت خود است و به عنوان یک خرده بورژوا سعی می‌کند شخصیت‌اش «تحقیر» نشود. همین مثال مشخص نشان می‌دهد که چگونه خرده بورژوازی در جنبش چپ نفوذ می‌کند و چگونه و تا چه درجه‌ای می‌تواند اخلال کند. خرده بورژوازی بی گناه وارد جنبش می‌شود، همه چیز را به هم می‌ریزد و بی گناه و غیر قابل انتقاد از جنبش خارج می‌گردد.

آیا انتقاد و انتقاد از خود، تحقیر و شکستن شخصیت دیگران و خود است؟

برای تحقیق در این مسأله، مجبور هستیم به قوانین حاکم در جامعه رجوع کنیم.

جامعه انسانی بخشی از طبیعت است. بنابراین قوانین طبیعت به صورت جامعه انسانی شکل گرفته است. مهم‌ترین قانون حاکم بر طبیعت و لذا در جامعه، قانون همگونی و مبارزه اضداد است. شکل ویژه همگونی و مبارزه اضداد در جوامع امروزی وحدت و مبارزه طبقاتی است. ولی طبقات جامعه، لایتغیر و ایستا نیستند. طبقات یک جامعه، ایست ناپذیر و

دائم در مبارزه علیه هم هستند. طبقات جامعه زنده و فعالند و در ارتباط دیالکتیکی با هم قرار دارند یعنی در هم تأثیر می‌گذارند. این طبقات سعی می‌کنند در هم نفوذ کنند، در یکدیگر اخلال به وجود آورند تا کل جامعه را برای اهداف خود مجهز سازند. بنابراین بورژوازی با تمام قدرت سعی می‌کند در پرولتاریا نفوذ کند و صفوف آن را از هم بپاشد. بورژوازی این کار را به وسیله انسان‌ها عملی می‌کند، به وسیله خرده بورژوازی در صفوف پرولتاریا نفوذ می‌کند و در آن اخلال به وجود می‌آورد. بسیاری از کادرهای کمونیست نیز در شرایطی تحت نفوذ ایدئولوژی و سیاست‌های خرده بورژوازی قرار می‌گیرند و دست به اعمالی می‌زنند و کارهایی می‌کنند که با ارزش‌های طبقه کارگر و جنبش کمونیستی در تقابل قرار می‌گیرند.

حال با این عناصر پرولتری و کمونیستی چه باید کرد؟

۱- باید آن‌ها را طرد نمود؟

۲- باید آن‌ها را همان طور که تغییر کرده‌اند قبول کرد؟ و یا

۳- در نشست‌های کارگری و یا هسته‌های کمونیستی اشتباهات آن‌ها را به خودشان نشان داد، این اشتباهات را تجزیه و تحلیل نمود و کمک کرد تا آن‌ها خود به اشتباهشان پی ببرند و از خود انتقاد کنند. از دید کمونیستی راه سوم درست است.

در این جا انتقاد از خود یعنی نشان دادن علل طبقاتی اشتباه. عواملی که باعث آن انحراف مشخص شده و شرایط عمومی محیطی که در آن اشتباه رخ داده است. این انتقاد از خود، به دیگر کادرهای کارگری و کمونیستی کمک می‌کند که از چنین اشتباهی در آینده جلوگیری کنند. در واقع انتقاد و انتقاد از خود همچون یک فیلتر طبقاتی محیط کارگری و کمونیستی را از شیوه تفکر غیر پرولتری پاکسازی می‌کند.

این نوع انتقاد نه تنها باعث تحقیر و شکستن شخصیت انتقاد کننده و شخص مورد انتقاد نمی‌گردد، بلکه به آنها کمک می‌کند که خود را نوسازی کنند، همه جانبه‌تر و استوارتر در خدمت پرولتاریا مبارزه نمایند و خرده بورژوازی را همه جانبه و شدیدتر مورد ضربه قرار دهند و آن را از صفوف پرولتاریا و جنبش کمونیستی بزدایند. بدون چنین پروسه‌ای جنبش کارگری و کمونیستی تابعی از ایدئولوژی و سیاست و تاکتیک بورژوازی حاکم می‌گردد و هر انقلابی به شکست می‌انجامد.

منصور حکمت با انتقاد و انتقاد از خود، سر جنگ و دشمنی دارد. در واقع او با طبقه کارگر و جنبش کمونیستی سرجنگ و دشمنی دارد. زیرا بدون انتقاد و انتقاد از خود کمونیستی، انقلاب سوسیالیستی در کار نخواهد بود و هیچ دولت سرمایه‌داری‌ای هم سرنگون نخواهد شد.

در واقع یکی از عوامل کوتاه کردن جاده رسیدن به سوسیالیسم و کمونیسم، انتقاد و انتقاد از خود کمونیستی است. جنبش کارگری و کمونیستی ایران با طرد اندیشه و سبک کار منحط منصور حکمت که چیزی جز شیوه تفکر و سبک کار خرده بورژوازی در صفوف کارگری نیست، گام‌های استوار و بلندی را در رسیدن به سوسیالیسم و کمونیسم برخواهد داشت.

نظم کمونیستی- کمون شماره ۲۴

۲۵ خرداد ۱۴۰۲